

رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، عوامل دانشگاهی و انگیزش تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران

مجید پورفرج عمران^۱

تاریخ دریافت: 92/07/02

تاریخ پذیرش: 92/09/18

چکیده

هدف: این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و عوامل دانشگاهی و انگیزه تحصیلی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مازندران انجام شده است. روش: نمونه شامل 565 دانشجویان از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی بهشهر، آیت ا. . . آملی و چالوس بودند. از هر واحد در هر یک از گروه‌های فنی، علوم پایه و علوم انسانی به تصادف یک کلاس از ترم اول و ترم آخر انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه نئو، پرسشنامه انگیزش تحصیلی دانشجویان و پرسشنامه عوامل دانشگاهی بودند. داده‌ها با روشهای آماری آزمون تی مستقل، تحلیل واریانس، همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: سه عامل شخصیتی گشودگی نسبت به تجربه، وظیفه‌مداری و برونگرایی به ترتیب بیشترین ضریب همبستگی را با انگیزه تحصیلی دارند. عوامل مؤثر به ترتیب میزان سهم آن‌ها در تبیین واریانس انگیزه تحصیلی عبارتند از: معدل دیپلم، رضایت از وضعیت علمی، برخورد اساتید، امید به اشتغال، امکانات آموزشی، امکانات رفاهی و برخورد کارکنان. میانگین انگیزه تحصیلی گروه تحصیلی فنی نسبت به گروه‌های تحصیلی علوم پایه و علوم انسانی بطور معناداری بیشتر است. بعلاوه، میانگین انگیزه تحصیلی دانشجویان در سال اول تحصیل بطور معناداری بیشتر از سال آخر تحصیل می‌باشد. همچنین میانگین انگیزه تحصیلی دختران بطور معناداری بیشتر از پسران است. نتیجه‌گیری: بین عوامل شخصیتی گشودگی نسبت به تجربه، وظیفه‌مداری و برونگرایی و همچنین عوامل دانشگاهی امکانات علمی و رفاهی دانشگاهی، نحوه برخورد اساتید و کارکنان با انگیزه تحصیلی رابطه مثبتی وجود دارد. بعلاوه از جمله دیگر عوامل مرتبط با انگیزه تحصیلی معدل دیپلم و امید به اشتغال است.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، عوامل دانشگاهی و انگیزش تحصیلی

مقدمه

روان شناسان، ضرورت توجه به انگیزش در تعلیم و تربیت را، به دلیل ارتباط مؤثر آن بایادگیری جدید، مهارت ها، راهبردها و رفتارها متذکر شده اند و یکی از سازه های اولیه ای که برای تبیین این انگیزش ارائه کرده اند، انگیزش تحصیلی است (پینتریچ و شنک^۱، 2007). یکی از عوامل مؤثر بر یادگیری در میان یادگیرندگان، انگیزه تحصیلی است. انگیزش تحصیلی به رفتارهایی که برای یادگیری و پیشرفت در تحصیل مربوط است، اطلاق می شود. به طور کلی انگیزش پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از انگیزه های پیشرفت، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است، سوق می دهد انگیزه تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می آید و چیزی است که به رفتار شدت وجهت می بخشد و در حفظ و تداوم آن به یادگیرنده کمک می کند. در واقع انگیزه آن چیزی است که به یادگیرنده انرژی می دهد و فعالیت های او را هدایت می کند. (طالب زادگان، 2000).

بسیاری از نظریه پردازان عرصه انگیزش معتقدند که تفاوت های شخصیتی یکی از عوامل مهمی است که انگیزه افراد را در رفتار، عملکرد و یادگیری تحت تأثیر قرار می دهد (زوینگ و وبستر^۲، 2004). به عنوان مثال جادگ و ایس^۳ (2002) در یک فراتحلیل جامع رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و سه نظریه معروف انگیزشی شامل نظریه هدف گزینی، نظریه انتظار و نظریه خودکارآمدی را بررسی نمودند و ارتباط چندگانه 0/49 را بین پنج عامل بزرگ شخصیت و ملاک های انگیزشی مشاهده کردند که این نتیجه دال بر کفایت مدل پنج عاملی شخصیت برای پیشبینی عملکرد انگیزشی است.

کلارک و شروث^۴ (2010) در پژوهشی که پیرامون رابطه بین شخصیت و انگیزه تحصیلی دانشجویان انجام دادند دریافتند که افراد برونگرتر، وظیفه مدارتر و متمایل به تجارب جدید انگیزه درونی بیشتری برای تحصیل دارند و در زمینه تحصیل نیز موفق تراند. اما در افراد دارای انگیزه

¹ - Pintrich & Schunk

² - Zwing, D. & Webster

³ - Judge & Ilis

⁴ - Clark & Schroth

بیرونی روانرنجوری نیز بیشتر است و در افراد بی انگیزه به تحصیلی توافق پذیری یا مقبولیت کمتر و بی توجهی بیشتر است. بطور کلی نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن بود که دانشجویان با صفات شخصیتی متفاوت دارای دلایل مختلفی برای گذراندن درجات علمی و میزان موفقیت متفاوتی در این زمینه هستند. کماراجو و کارنو^۱ (2005) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عامل انگیزش تحصیلی درگیری با موضوع^۲ بوسیله گشودگی نسبت به تجربه و برونگرایی و عامل پیشرفت^۳ بوسیله وظیفه مداری، روان نژندی و گشودگی نسبت به تجربه بهتر تبیین می‌شوند. در حالی که عامل اجتناب^۴ با برونگرایی و روان نژندی رابطه مستقیم و با وظیفه مداری و گشودگی نسبت به تجربه رابطه عکس دارد. چامروپروموزیک و فورنهام^۵ (2003) نیز در دو مطالعه طولی سه ساله بر روی دو گروه 70 و 75 نفره دانشجویی در مورد پیشبینی عملکرد تحصیلی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی دریافتند که وظیفه مداری با عملکرد تحصیلی بالا و روان نژندی و روان پریش خوبی (بر اساس پرسشنامه EPQ-R آیزنک) با عملکرد تحصیلی پایین رابطه دارد. متخصصان آموزشی بر این عقیده اند که افرادی که به طور فعال، با علاقه و متناسب با ویژگی‌های روانشناختی خود در فرایندهای یادگیری شرکت می‌کنند، احتمال موفقیت و پیشرفت آنها بیشتر است. هنگامی که افراد به طور فعال در فرایندهای یادگیری خود شرکت می‌جویند، احساس قدرت و اختیار در آنها افزایش می‌یابد و سطح خود جهت دهی و پیشرفت آنها بیشتر می‌شود (هارتمن، 1995).

کورمن^۶ (1991) در پژوهش‌های خود دریافت شیوه تدریس فعال، علاقمندی اساتید به تدریس و استفاده از امکانات آموزشی و آزمایشگاهی و... در افزایش انگیزه تحصیلی دانشجویان مؤثر می‌باشد. در ایران مورد این متغیرهای ذکر شده مطالعات معدودی صورت گرفته است از آن جمله پژوهش روحی و همکاران (2006) در دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام داده اند نتایج این پژوهش نشان داد که همه عوامل ذکر شده رابطه معناداری با انگیزه تحصیلی دانشجویان دارند اما

¹- Komarraju & Karau

²- Engagement

³- Achievement

⁴- Avoidance

⁵- Chamorro-Premuzic & Furnham

⁶- Korman

میزان همبستگی عوامل آموزشی بیشتر است. در پژوهشی دیگر که مولوی و همکاران (2008) در مورد عوامل مؤثر در انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین میزان رضایت از عوامل آموزشی مانند توانایی و علاقمندی اساتید در امر تدریس و تجهیزات کمک آموزشی و انگیزه تحصیلی رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.

ترنر^۱ (1995) بر این باور است که پیش بینی دست نیافتن به شغل مناسب با وارد کردن ضربه جدی به اعتماد به نفس باعث افسردگی و پیامدهای منفی ناشی از آن خواهد شد. بر پایه بررسی‌های کاسر و ریان^۲ (1993) ترس از در آمد پایین بویژه در مردها یکی از قویترین منابع صدمات انگیزشی، محتل شدن سلامت روان و عملکرد ضعیف در فعالیت‌های مختلف از جمله وظایف شغلی و تحصیلی است. دومین دسته از عوامل انگیزشی تعریف شده عوامل مبتنی بر نیازهای رشدی است. در این سطح شخص بدون احساس کمبود زیستی و صرفاً به منظور حرکت بسوی تعالی روانی - اجتماعی برای انجام کارهای خاص برانگیخته می‌شود. کنجکاوی، برتری علمی، پیشرفت شغلی و شأن و احترام بیشتر نمونه ای از این انگیزه‌های روانی - اجتماعی است (باک^۳، 1988 به نقل از عسکری، 2006).

ذکایی (2006) در تحقیقی که به منظور سنجش گرایش دانش آموزان نسبت به ارزش‌های تحصیلی انجام داد نتیجه گرفت که علاقه به تحصیل در دختران به طور معنا داری از پسران بیشتر است، میل و انتخاب شخصی در آنها برای ورود به دانشگاه بیشتر است، با تفاوت معنا داری بیش از پسران تمایل به ادامه ی تحصیلات خود، صرف نظر از فرصت‌های شغلی، دارند و نیز از انگیزه ی بالاتری برای کسب مدارج عالی تحصیلی برخوردارند.

در این پژوهش علاوه بر عوامل درون فردی شخصیتی برخی از عوامل بیرونی بویژه در رابطه با محل تحصیل از جمله مهمترین آنها مانند سطح و امکانات آموزشی و رفاهی واحد دانشگاهی، نحوه تدریس، نحوه برخورد اساتید و کارکنان دانشگاه (که در این پژوهش در مجموع تحت عنوان عوامل دانشگاهی نامیده می‌شوند) به همراه چشم انداز اشتغال در زمینه رشته تحصیلی که بنظر

¹ - Turner

² - Kasser & Ryan

³ - Buck

می‌رسند می‌توانند بر انگیزه تحصیلی دانشجویان مؤثر باشند نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند تا سهم هریک از این عوامل درونی و بیرونی در انگیزه تحصیلی دانشجویان مشخص شود. بعلاوه از اهداف دیگر این تحقیق مقایسه انگیزه تحصیلی در گروه‌های تحصیلی فنی، انسانی و پایه، مقایسه انگیزه تحصیلی دانشجویان سال اول و سال آخر و مقایسه انگیزه تحصیلی دختران و پسران دانشجویان می‌باشد.

روش

این تحقیق از نوع تحقیق‌های پس رویدادی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران بودند. جهت جمع‌آوری داده‌های اولیه برای این‌که از تمام مراکز شرقی، مرکزی و غربی استان در نمونه پژوهش موجود باشند به ترتیب واحدهای دانشگاهی بهشهر، آیت . . . آملی و چالوس و از هر واحد در هر یک از گروه‌های فنی، علوم پایه و علوم انسانی به تصادف یک کلاس از ترم اول و ترم آخر انتخاب شدند. بنابراین 6 کلاس از هر واحد و در مجموع 18 کلاس جهت اجرای پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. جمعیت نهایی نمونه آماری 565 دانشجو شامل 261 پسر و 304 دختر به ترتیب با میانگین سنی $21 \pm 2/01$ و 20 بود. نتایج با روش‌های آماری آزمون تی مستقل، تحلیل واریانس، همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

1- آزمون شخصیتی نئو: مک کری و کاستا (1985) پرسشنامه ای را تحت عنوان نئو (NEO) برای اولین بار با 185 سوال تدوین کردند در ادامه این دو پژوهشگر با بررسی‌هایی که انجام دادند توانستند دو پرسشنامه با تعداد سوالات 240 و 60 سوال را برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی افراد تهیه کنند. در این پژوهش به منظور بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان از فرم کوتاه آزمون نئو (NEO) که دارای 60 سوال می‌باشد، استفاده شده است. این آزمون پنج مورد از ویژگی‌های شخصیتی افراد را مورد سنجش قرار می‌دهد که، این ویژگی‌ها عبارتند از: روان نژندخوبی (N)، برو نگرایی (E)، باز بودن به تجربه (O)، توافق (A) و وجدانی بودن (C). آزمودنی جواب را در یک طیف 5 درجه ای از نوع لیکرت انتخاب می‌کند. مک کری و کاستا (2004) در تحقیقی که برای تجدید نظر در پرسشنامه (NEO-FFI) بر روی 1492 نفر انجام دادند ضریب

همبستگی این آزمون را با آزمون نئو 240 سوالی برای پنج ویژگی شخصیتی (عامل) به ترتیب 0/83، 0/83، 0/91، 0/76 و 0/86 گزارش کردند. کوک (1999) در تحقیقی که بر روی 117 زوج انجام داد آلفای کرونباخ پرسشنامه ی نئو را از 0/85 تا 0/92 گزارش کرد. کیا مهر (2003) در تحقیقی که بر روی دانشجویان علوم انسانی دانشگاه تهران انجام داد ضریب پایایی آزمون نئو را برای پنج ویژگی E, N, A, O و C را به ترتیب 0/79، 0/73، 0/42، 0/58 و 0/77 ذکر کرد. امان الهی فرد (2006) در تحقیقی که انجام داد پایایی آزمون نئو را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و باز آزمایی مورد بررسی قرار داد و نتایج زیر را گزارش داد. پایایی آزمون با استفاده از روش باز آزمایی برای پنج عامل به ترتیب 0/87، 0/84، 0/79، 0/80 و 0/82 و آلفای کرونباخ پنج عامل به ترتیب 0/76، 0/65، 0/59، 0/48 و 0/85 بود.

2- پرسشنامه انگیزش تحصیلی دانشجویان: این پرسشنامه که در حیطه سنجش انگیزش تحصیلی دانشجویان طراحی شده است شامل 20 سؤال بوده و به صورت طیف لیکرت (از بسیار کم تا بسیار زیاد) اندازه گیری می شود. پرسشنامه حاضر توسط کامکاری و بهاری (1381)، بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مورد رواسازی و اعتباریابی واقع شده است. نتایج این بررسی نشان دهنده آن است که این پرسشنامه دارای روایی صوری و روایی سازه بوده و اعتبار پرسشنامه نیز با استفاده از روش باز آزمایی 0/83 و روش آلفای کرونباخ 0/84 گزارش شده است. در نهایت، مطرح می شود که پرسشنامه حاضر با جمع تمامی سؤالات و بدست آوردن یک نمره کل به نام انگیزه تحصیلی محاسبه می شود.

3- پرسشنامه عوامل دانشگاهی: جهت سنجش عوامل دانشگاهی نیز پرسشنامه نظر سنجی 10 سوالی توسط محقق در مورد ارزیابی میزان رضایت از وضعیت علمی و رفاهی واحد دانشگاهی، نحوه تدریس، نحوه برخورد اساتید و کارکنان دانشگاه، رشته تحصیلی، ترم تحصیلی بعلاوه امیدبه اشتغال در زمینه تحصیلی به صورت طیف لیکرت (از بسیار کم تا بسیار زیاد) طراحی شد که به همراه دو پرسشنامه دیگر به دانشجویان ارائه شد. ضرایب پایایی مقیاس در یک بررسی اولیه بر روی نمونه 74 نفری دانشجویی با استفاده از روش های همسانی درونی 0/67 و با استفاده از روش باز آزمایی بعد دو هفته 0/61 محاسبه شد.

یافته‌ها:

جهت بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه تحصیلی دانشجویان ضریب همبستگی پیرسون بین عوامل پنجگانه شخصیت و نمره کل انگیزه تحصیلی دانشجویان محاسبه شد (جدول 1).

جدول 1: جدول ضرایب همبستگی عوامل شخصیتی با انگیزه تحصیلی

عوامل شخصیتی	ضریب همبستگی	سطح معناداری
روان رنجوری	0/07	-
برونگرایی	0/32	0/001
گشودگی نسبت به تجربه	0/41	0/001
مقبولیت	0/15	0/01
وظیفه مداری	0/38	0/001

ضرایب همبستگی حاصل نشان دهنده آنست که عوامل گشودگی نسبت به تجربه، وظیفه مداری، برونگرایی و مقبولیت به ترتیب بیشترین ضریب همبستگی را با انگیزه تحصیلی دارند.

جهت بررسی رابطه بین امکانات آموزشی و انگیزه تحصیلی همبستگی بین گویه‌های مرتبط با امکانات آموزشی پرسشنامه عوامل دانشگاهی با پرسشنامه انگیزه تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت (جدول 2). ضریب همبستگی حاصل 0/35 بود که حاکی از وجود همبستگی معنادار بین این دو عامل است ($p < 0/001$).

جدول 2: جدول ضرایب همبستگی عوامل دانشگاهی با انگیزه تحصیلی

عوامل دانشگاهی	ضریب همبستگی	سطح معناداری
امکانات آموزشی	0/35	0/001
رضایت از وضعیت علمی	0/43	0/001
امکانات رفاهی	0/31	0/001
برخورد اساتید	0/41	0/001
برخورد کارکنان	0/28	0/001

نتایج حاصل از بررسی همبستگی بین رضایت از وضعیت علمی محل تحصیل و انگیزه تحصیلی ارائه شده در جدول شماره 2 حاکی از آن است که بین این دو عامل همبستگی مثبت نسبتاً خوب و معناداری وجود دارد ($r = 0/41$). با توجه به ضریب همبستگی مشاهده شده بین امکانات رفاهی و انگیزه تحصیلی دانشجویان ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی بین این دو عامل نیز معنادار می‌باشد ($r = 0/31$, $p < 0/001$). یکی دیگر از عوامل دانشگاهی که رابطه اش با انگیزه تحصیلی دانشجویان در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت نحوه برخورد اساتید با دانشجویان بود. همانطور که در جدول 2 قابل مشاهده است این عامل از بین سایر عوامل دانشگاهی مورد بررسی بیشترین ضریب همبستگی را با انگیزه تحصیلی دانشجویان داشت ($r = 0/43$, $p < 0/001$).

آخرین عامل دانشگاهی مورد بررسی در این پژوهش بررسی رابطه بین نحوه برخورد کارکنان و انگیزه تحصیلی دانشجویان بود که نتایج ضرایب همبستگی ارائه شده در جدول 2 بیانگر وجود رابطه مثبت معنادار بین این دو عامل است ($r = 0/28$, $p < 0/001$).

جهت بررسی رابطه بین امیدبه اشتغال در زمینه تحصیلی و انگیزه تحصیلی دانشجویان همبستگی بین این دو عامل در مورد کل دانشجویان و دانشجویان علوم پایه، علوم انسانی و علوم فنی بطور جداگانه محاسبه شد. نتیجه حاصل نشانگر آنست که بین این دو عامل در کل دانشجویان همبستگی مثبت معناداری وجود دارد ($r = 0/29$, $p < 0/001$). اما ضرایب همبستگی در مورد دانشجویان علوم پایه، علوم انسانی و علوم فنی به ترتیب $0/24$ ، $0/27$ و $0/33$ می‌باشد.

برای بررسی رابطه بین معدل دیپلم و انگیزه تحصیلی همبستگی بین نمره کل انگیزه تحصیلی در دانشجویان و معدل دیپلم آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه حاصل حاکی از رابطه مثبت معنادار بین این دو متغییر است ($r = 0/45$, $p < 0/001$).

جهت بررسی تفاوت انگیزه تحصیلی دانشجویان رشته‌های مختلف پاسخ دادن به پرسش بالا نمرات انگیزه تحصیلی دانشجویان رشته‌های تحصیلی فنی، علوم پایه و انسانی در سه گروه بطور مجزا محاسبه و با استفاده از تحلیل واریانس مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل واریانس حاکی از وجود تفاوت معنادار حداقل بین انگیزه تحصیلی دو گروه تحصیلی بود که با استفاده از مومن

تعقیبی شفه مشخص شد که از بین تفاوت میانگین‌ها تفاوت انگیزه تحصیلی گروه تحصیلی فنی بطور معناداری از انگیزه تحصیلی بالاتری نسبت به دو گروه دیگر برخوردارند.

جدول 3: جدول تحلیل واریانس تفاوت انگیزه تحصیلی دانشجویان رشته‌های مختلف

متغیر وابسته	منبع پراکندگی	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
انگیزه تحصیلی	واریانس بین گروهی	21/43	2	10/75	86/	0/000
	واریانس درون گروهی	13/1242	562	2/21	4	

جهت بررسی تفاوت انگیزه تحصیلی دانشجویان ترم اول و آخر تحصیلی پاسخگویی به سؤال بالا نخست نمره میانگین کل انگیزه تحصیلی دانشجویان ترم اول و آخر تحصیلی محاسبه شد و سپس از طریق آزمون t مستقل میانگین‌ها مورد مقایسه قرار گرفتند. نمره آزمون t مستقل حاصل حاکی از وجود تفاوت معنادار بین این دو میانگین است. به عبارت دیگر نمره میانگین انگیزه تحصیلی دانشجویان ترم اول بطور معناداری از نمره انگیزه تحصیلی دانشجویان ترم آخر بیشتر است (جدول 4).

جدول 4: جدول آزمون t انگیزه تحصیلی دانشجویان ترم اول و آخر تحصیلی

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t
دانشجویان ترم اول	293	59/79	25/04	4/73*
دانشجویان ترم آخر	272	47/14	16/49	

$$*p < 0/01$$

برای بررسی تفاوت انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر و پسر ابتدا نمره میانگین کل دانشجویان دختر و پسر بطور مجزا محاسبه شد و سپس از طریق آزمون t مستقل میانگین‌ها مورد مقایسه قرار گرفتند. نمره آزمون t مستقل حاصل تفاوت معناداری بین این دو میانگین نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر معناداری بیشتر از پسران است (جدول 5).

جدول 5: جدول آزمون t انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر و پسر

ت	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه ها
3/56*	27/11	65/21	304	دانشجویان دختر
	21/43	52/18	261	دانشجویان پسر

* $p < 0/01$

برای بررسی این که کدامیک از عوامل مطرح شده انگیزه تحصیلی دانشجویان را بهتر پیشبینی می‌کند از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد (جدول 6). همانطور که از نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام قابل مشاهده است معدل دیپلم بیشترین سهم را در تبیین واریانس انگیزه تحصیلی از میان عوامل دانشگاهی و امید به اشتغال دارد و حدود 33 درصد واریانس انگیزه تحصیلی را تبیین می‌کند. عوامل دیگر به ترتیب میزان سهم آن‌ها در تبیین واریانس انگیزه تحصیلی عبارتند از: رضایت از وضعیت علمی، برخورد اساتید، امید به اشتغال، امکانات آموزشی، امکانات رفاهی و برخورد کارکنان.

جدول 6: جدول تحلیل رگرسیون انگیزه تحصیلی و عوامل دانشگاهی

متغیر ملاک	متغیر پیشینی	متغیرهای پیشینی	B	Beta	t	R	R2	سطح- معناداری
	1	معدل دیپلم	/84 0	0/58	3/96	/58 0	/33 0	0/000
		2	معدل دیپلم	/99 0	0/68	/52 22	/72 0	0/000
		رضایت از وضعیت علمی	/71 2	0/44	/48 14			0/000
	3	معدل دیپلم	/99 0	0/68	/63 29	/85 0	/72 0	0/000
		رضایت از وضعیت علمی	/86 3	0/62	/36 25			0/000
		برخورد اساتید	/35 5	0/49	/43 20			0/000
	4	معدل دیپلم	/60 0	0/41	/96 10	/87 0	/75 0	0/000
		رضایت از وضعیت علمی	/83 3	0/39	/76 26			0/000
		برخورد اساتید	/50 5	0/35	/28 22			0/000
		امید به اشتغال	/31 0	0/32	8/59			0/000
	5	معدل دیپلم	/46 0	0/31	7/77	/87 0	/77 0	0/000
		رضایت از وضعیت علمی	/83 3	0/29	/50 27			0/000
		برخورد اساتید	/41 5	0/29	/49 22			0/000
		امید به اشتغال	/31 0	0/21	8/79			0/000
		امکانات آموزشی	/91 0	0/15	5/69			0/000
		معدل دیپلم	/43	0/29	7/42			0/000

					0			
0/000	/78 0	/88 0	/30	0/27	/55	رضایت از وضعیت علمی	6	
			24		3			
0/000			/57	0/25	/60	برخورد اساتید		
			23		5			
0/000			9/33	0/23	/32	امید به اشتغال		
				0				
0/000			6/25	0/16	/98	امکانات آموزشی		
					0			
0/000			5/27	0/11	/97	امکانات رفاهی		
					0			
0/000	/78 0	/88 0	7/88	0/31	/45	معدل دیپلم	7	
						0		
0/000			/75	0/29	/42	رضایت از وضعیت علمی		
			22		3			
0/000			/87	0/28	/23	برخورد اساتید		
			19		5			
0/000			9/56	0/23	/33	امید به اشتغال		
				0				
0/000			0/90	0/15	/72	امکانات آموزشی		
					5			
0/000			6/19	0/15	/25	امکانات رفاهی		
					1			
0/000			3/23	0/13	/55	برخورد کارکنان		
					0			

بحث و نتیجه گیری:

از بین پنج عامل اصلی شخصیت عوامل گشودگی نسبت به تجربه، وظیفه مداری و برونگرایی به ترتیب بیشترین ضریب همبستگی را با انگیزه تحصیلی دارند. این نتیجه با یافته‌های کلارک و شروث (2010) و حضرتی و همکاران (2011) هماهنگ است. با بررسی گویه‌های مرتبط با این عوامل درمی‌یابیم عامل گشودگی نسبت به تجربه به گرایش افراد به تجربه موقعیت‌های جدید و یادگیری مطالب جدید، خلاقیت و تفکر اشاره دارد. درحقیقت در افرادی که در این عامل نمره بالاتری می‌آورند انگیزه یادگیری و کسب اطلاعات و مهارت‌های جدید بالاست. بنابراین انتظار می‌رود که این افراد محیط و مطالب آموزشی را فرصت مناسبی برای کسب دانش و مهارت

جدید بدانند و انگیزه تحصیلی بالاتری داشته باشند. بر اساس یافته‌های این پژوهش وظیفه مداری یکی دیگر از عوامل مهم شخصیتی است که با انگیزه تحصیلی ارتباط دارد. این یافته نیز با نتایج تحقیق کمارجائو^۱ و همکاران (2009) هماهنگ است. عامل وظیفه مداری با گرایش به تلاش و سخت کوشی در راستای اهداف و وظایف، کمال جویی و انگیزه پیشرفت ارتباط دارد. افرادی که در این عامل نمرات بالاتری می‌آورند معمولاً افرادی منضبط و دارای احساس مسئولیت بالا هستند. احتمالاً این افراد بدین خاطر که تحصیل و خوب درس خواندن را یک نوع وظیفه و مسئولیت تلقی می‌کنند و می‌خواهند آن را به بهترین وضع انجام دهند تا به کمال مطلوب برسند و از طرف دیگر یکی از راه‌های پیشرفت را ادامه تحصیل و خوب درس خواندن می‌دانند، بنابراین انتظار می‌رود انگیزه تحصیلی بالاتری هم داشته باشند.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین رضایت از وضعیت علمی واحد دانشگاهی و انگیزه تحصیلی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. این یافته می‌تواند نشانگر آن باشد هر چه واحد دانشگاهی امکانات و جو علمی بهتری داشته باشد دانشجویان تمایل و انگیزه بیشتری در امر تحصیل دارند. سیگل (2004) اظهار می‌کند که بالا رفتن امکانات آموزشی سبب تسریع در یادگیری می‌شود و همچنین معین پور (2005) نیز به تأثیر امکانات آموزشی دانشگاه در انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخته است که با نتایج پژوهش حاضر مطابقت دارد. امکانات بهتر آموزشی می‌تواند تمایل افراد به آموزش و تحقیق در زمینه تحصیلی را افزایش دهد زیرا معمولاً دانشجویان تمایل دارند که با جنبه‌های عملی آموزش‌هایی که می‌بینند بیشتر آشنا و درگیر شوند و هر چه چنین فرصت و امکانی بیشتر فراهم باشد از تحصیل خود لذت بیشتری می‌برند.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر وجود همبستگی مثبت نسبتاً پایین اما معنادار بین رضایت از امکانات رفاهی واحد دانشگاهی و انگیزه تحصیلی است. این یافته همسو با نتایج تحقیق روحی و همکاران (2006) می‌باشد که در آن نیز رابطه مثبت ضعیف اما معنادار گزارش شد. براساس یافته‌های تحقیق پولادی و شکرکن (1996) در مورد عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه انجام دادند عوامل محیط آموزشی بعد از مشکلات برنامه ریزی آموزشی و مشکلات خانوادگی سومین عامل مهم در تبیین عوامل کاهش انگیزه بود. بنظر می‌رسد هر چه امکانات رفاهی و دانشجویی یک واحد

¹ - Komarraju

دانشگاهی بیشتر باشد نشان دهنده آنست که احترام بیشتر به راحتی و نیازهای دانشجوی گذاشته می‌شود و دانشجویان هم وقتی مشاهده می‌کنند امکانات رفاهی در سطحی مناسب در واحد دانشگاهی آن‌ها فراهم است احساس بهتری نسبت به واحد دانشگاهی خود دارند و با دغدغه‌های جانبی کمتری به تحصیل خود توجه می‌کنند. بطور کلی بنظر می‌رسد هر چه دانشجویان نگرش بهتری نسبت به محیط آموزشی که در آن مشغول به تحصیل هستند داشته باشند انگیزه تحصیلی بالاتری هم خواهند داشت.

از یافته‌های دیگر این پژوهش این بود که نحوه برخورد اساتید همبستگی مثبت معناداری با انگیزه تحصیلی دارد. رفتار اساتید بخصوص اساتیدی که دروس تخصصی هر رشته و گرایش را ارائه می‌دهند به عنوان الگوهایی از افراد موفق در آن رشته تحصیلی بسیار مورد توجه دانشجویان است. نحوه برخورد و رفتار اساتید با دانشجویان در علاقمند سازی آن‌ها به آن درس بسیار حائز اهمیت است. احترام و برخورد مناسب اساتید با دانشجویان احترام متقابل به خود اساتید و درس آن‌ها را بر می‌انگیزاند. اساتید با رفتار مناسب خود و ایجاد شأن اجتماعی برای دانشجویان می‌توانند سطح انتظارات دانشجو از خود را بالا ببرند و از این طریق انگیزه تحصیلی آن‌ها را افزایش دهند.

نحوه برخورد کارکنان هم البته نه به میزان برخورد اساتید می‌تواند تا حدودی در انگیزه تحصیلی دانشجویان مؤثر باشد. برخورد نامناسب حتی یکی از کارکنان با دانشجویان می‌تواند در ایجاد نگرش منفی در دانشجویان نسبت به کل محیط آموزشی تأثیر گذار باشد. بنابراین توصیه می‌شود در گزینش کارکنان واحد دانشگاهی نهایت دقت شود و افرادی انتخاب شوند که علاوه بر داشتن تخصص و مهارت حرفه‌ای مهارت‌های ارتباطی لازم را داشته باشند و نحوه برخورد با دانشجویان را بدانند. بر اساس شرطی شدن بالاتر برخورد نامناسب حتی یکی از اساتید یا کارکنان می‌تواند به ایجاد نگرشی منفی نسبت به اساتید یا کارکنان و حتی کل فضای آموزشی بیانجامد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق امید به اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی یکی دیگر از عامل‌های مهم تعیین کننده انگیزه تحصیلی دانشجویان است. این یافته با نتایج مولوی و همکاران (2008) هماهنگ است. دانشجویانی که امید بیشتر به یافتن شغلی مناسب و مرتبط با رشته تحصیلی خود دارند بدلیل این که پیشبینی می‌کنند آنچه اکنون می‌آموزند در زمینه شغلی آینده آن‌ها بکار می‌آید

انگیزه بیشتری برای فراگیری بهتر دارند و سعی می‌کنند بطور عمیق تر، کاربردی تر و با توجه بیشتری مطالب درسی تخصصی رشته خود را بیاموزند. با توجه به این که یکی از ملاک‌های گزینش جهت اشتغال معدل تحصیلی می‌باشد.

در این تحقیق گرچه امید به اشتغال گروه فنی کمی بیشتر از گروه علوم انسانی بود ولی تفاوت بین آن دو معنادار نبود. بنظر می‌رسد گرچه تا حدودی دانشجویان گروه فنی امید به اشتغال بیشتری دارند اما تفاوت آشکار و معناداری بین امید به اشتغال این گروه و گروه فنی وجود ندارد. بنظر می‌رسد این نتیجه بخاطر بیشتر بودن جمعیت دانشجویی گروه علوم انسانی در رشته‌هایی که هنوز بازارکار بالنسبه خوبی مانند گروه‌های فنی دارند مانند رشته حقوق باشد زیرا معمولاً در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های غیردولتی تمایل به رشته‌های با بازار بالنسبه بهتر بیشتر است.

از بین عوامل مطرح شده در این پژوهش بین معدل دیپلم و انگیزه تحصیلی دانشجویان بیشترین همبستگی مثبت معناداری مشاهده شد. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آنست که از بین عوامل دانشگاهی، معدل دیپلم و امید به اشتغال، معدل دیپلم بیشترین سهم را در تبیین واریانس انگیزه تحصیلی دارد و معدل دیپلم می‌تواند یکی از عوامل پیشبینی کننده قوی انگیزه تحصیلی در دوره دانشجویی باشد. انتظار می‌رود دانش آموزانی که انگیزه تحصیلی بالاتری در دوره دبیرستان داشته اند و معدل تحصیلی بالاتری هم به تبع آن کسب کرده اند، در دوران تحصیلی دانشگاهی هم انگیزه تحصیلی بالاتری داشته باشند. این نتیجه می‌تواند حاکی از آن باشد که انگیزه تحصیلی را می‌توان حتی قبل از دوره دانشجویی و در دوره دانش آموزی ایجاد نمود. از سوی دیگر بنظر می‌رسد انگیزه تحصیلی مناسب شکل گرفته از دوره دانش آموزی می‌تواند در دوره تحصیلات دانشگاهی هم تداوم داشته باشد. البته برای نتیجه گیری دقیقتر باید سطح انگیزه تحصیلی دوره دبیرستان و دوره دانشگاه را در تحقیقی طولی مورد بررسی قرار داد.

نتایج تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی انجام شده حاکی از آن است که انگیزه تحصیلی گروه تحصیلی فنی شامل رشته‌های مختلف مهندسی نسبت به گروه‌های تحصیلی علوم پایه و علوم انسانی بیشتر است. علت این تفاوت می‌تواند کاربردی تر بودن رشته‌های فنی باشد یا این که بدلیل این که دانشجویان رشته‌های فنی چشم انداز روشن تری از آینده کاری خود دارند انگیزه بیشتر در

مورد بکارگیری احتمالی مطالب آموخته شده در دنیای واقعی دارند و بنحوی می‌توانند به طور ملموس تری با مطالب آموخته شده ارتباط برقرار کنند.

بر اساس نتایج حاصل از این طرح انگیزه تحصیلی دانشجویان در سال اول تحصیل بیشتر از سال آخر تحصیل می‌باشد. این تفاوت در انگیزه تحصیلی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یکی از دلایل احتمالی می‌تواند برآورده نشدن برخی از تصورات دانشجویان در حین تحصیل باشد. معمولاً دانشجویان بنا به مقتضای سنی خود قبل از شروع تحصیل در واحد دانشگاهی و ترم‌های اول تحصیلی تصورات آرمان‌گرایانه در مورد روند و آینده تحصیل و شغل آینده خود دارند که با گذشت زمان و گاه‌ها مشاهده برخی از واقعیت‌های موجود نوعی احساس ناکامی در تحقق اهداف آرمانی خود احساس می‌کنند و برخی هم با مشاهده این‌که سعی بیشتر آن‌ها در زمینه تحصیل چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد یا به تصور این‌که فایده‌ای ندارد دچار روزمرگی و نوعی عادت به خواندن شب امتحانی و گرفتن نمره قبولی می‌شوند.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آنست که انگیزه تحصیلی دختران بطور معناداری بیشتر از پسران است. ذکایی (2006) در تحقیقی که به منظور سنجش گرایش دانش‌آموزان نسبت به ارزش‌های تحصیلی انجام داد نتیجه گرفت که علاقه به تحصیل در دختران به طور معناداری از پسران بیشتر است، میل و انتخاب شخصی در آنها برای ورود به دانشگاه بیشتر است، با تفاوت معناداری بیش از پسران تمایل به ادامه‌ی تحصیلات خود، صرف نظر از فرصت‌های شغلی، دارند و نیز از انگیزه‌ی بالاتری برای کسب مدارج عالی تحصیلی برخوردارند. در انتخاب رشته‌ی تحصیلی و انگیزه‌ی ادامه تحصیل جهت گیری‌های فرامادی و توجه به علاقه‌ی شخصی لزوم کسب علم فی‌نفسه بیش از رسیدن به رفاه مالی و یا وجود بازار کار یا درآمدزا بودن رشته‌ی تحصیلی در دختران قوی‌تر از پسران است و برای آن در جهت موفقیت بیشتر در مسیر زندگی و گذر موفق به بزرگسالی اهمیت‌ابزاری و نهایی بیشتر قائل‌اند. مشابه‌ای از تحقیق خود می‌گیرد. مؤمن‌زاده (2004) عوامل اجتماعی چون بیکاری تحصیل‌کرده‌ها یا اشتغال نامتناسب با رشته‌ی تحصیلی را عامل کاهش نگرش مثبت به تحصیل می‌داند و طبیعی است که این معضل اجتماعی در رابطه با پسران بیشتر مطرح است. در حالی که دختران بیش از آنکه به تحصیل به عنوان وسیله‌ای مستقیم برای اشتغال بنگرند، تحصیل را وسیله‌ای برای کسب موقعیت

اجتماعی، احترام و منزلت و گسترش دید و افق فکری می‌دانند. بنابراین نگرش مثبت‌تر دختران به تحصیل و تلاش برای موفقیت در آنان امری طبیعی است.

از محدودیت‌های این طرح می‌توان به روش آماری استفاده شده یعنی همبستگی و رگرسیون اشاره نمود که نمی‌توان تحلیل علی کامل از آن‌ها نمود. کنترل نداشتن کامل بر تمام متغیرهای مزاحم به علت تنوع و گوناگونی و فرهنگی و شرایط اقلیمی از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌باشند. در پایان پیشنهاد می‌شود در تحقیق‌های آتی در این زمینه از نمونه‌های جامع‌تر در سطوح منطقه‌ای و ملی و از سایر روش‌های تحقیق مانند روش طولی و روش‌های آماری مانند تحلیل مسیر استفاده شود. همچنین توصیه می‌شود در طرح‌های بعدی به بررسی سایر عوامل مؤثر احتمالی دیگر در انگیزه تحصیلی پرداخته شود.

کتابنامه:

پل پینتری - چ، دیل شونک. (1386). *انگیزش در تعلیم و تربیت*، ترجمه‌ی شهرآرای مهرناز، تهران، علم.

حضرتی، اصغر. ، پیرای راد، علی. ، یزدان پناه، محمد علی. (1389). نقش ویژگی‌های شخصیتی در پیشبینی انگیزش تحصیلی دانشجویان، *روانشناسی معاصر*، 5، 280-282.

ذکایی، محمد سعید. (1386). *جامعه‌شناسی جوانان ایرانی*، تهران، آگه.

روحی، قنبر. ، عابدین، حسینی. ، محمدتقی، بادله. ، رحمانی، حسین. (1386). انگیزه تحصیلی و رابطه آن با برخی از عوامل در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، 4(2)، 77-83.

طالب زادگان، میترا. (1378). بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان موفق دختر سوم راهنمایی شهر اهواز. *مجله داخلی شورای تحقیقات استان خوزستان*. 31، 25-31.

عسکری، جعفر. (1384). بررسی منابع افت انگیزشی دانشجویان دانشگاه از دیدگاه آنان، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، 554، 43-562.

-کیامهر، جواد. (1381). *هنجاربایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نتو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

معین پور، حمیده. (1383). تاثیر عوامل فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان*.

- مولوی، پرویز. ، رستمی، خلیل. ، فدایی، علیرضا. ، محمدنیا، حسین. ، رسول زاده، بهزاد (1386). عوامل مؤثر در انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، *مجله سازمان نظام پزشکی*، 25، 53-58.

Chamorro-Premuzic, T., ; Furnham, A., Lewis, M. (2007). Personality and Approaches to Learning Predict Preference for Different Teaching Methods. *Learning and Individual Differences*, 17, 241-250.

Clark, M. H. , C. A. Schroth. (2010). Examining relationships between academic motivation and personality among college students, *Learning and Individual Differences*, 20, 19-24.

Judge, T. A & Ilis, R, (2002). Relationship of personality to performance motivation: a meta- analysis, *Journal of Applied Psychology*, 87, 797- 807.

Komarraju, M. , Karau S. J. (2005). The relationship between the big five personality traits and academic motivation. *Personality and Individual Differences*, 39, 557-567.

Korman, A. K. (1991). Organizational behavior. 1st ed. New Jersey: Englewood cliffs. 212-217.

McCrae, R. R & Costa, P. T. (2004). A contemplated revision NEO Five Factor Inventory. *Journal of Personality and Individual Differences*, 36, 578-596.

Midgley, C. , Kaplan, A. , Anderman, E. (1998). The development and validation of scales assessing student's achievement goal orientation. *Contemporary Educational psychology*, 23. 42-55.

Zweing, D. & Webster, J, (2004). What are we examining? An examination of the relationship between the big- five personality traits, goal orientation, and performance intention, *Personality and Individual Differences*, 36, 1693-1702.